

دائرة المعارف هنر

یک جلدی

ویراست جدید

نقاشی / پیکره‌سازی / طراحی گرافیک / عکاسی /
رسانه‌های نو / تصویرگری / چاپگری

رویین پاکباز

و همکاران

تدوین واحد پژوهش فرهنگ معاصر



فرهنگ معاصر
چاپ و نشر

فهرست

سخن ناشر	نه
یادداشت	یازده
منابع.....	دوازده
راهنمای استفاده از دایرةالمعارف هنر	پانزده
مدخل‌های الف-ی	۸۱۲-۱
تاریخ‌شناسی	۹۹۴-۸۱۳
مضمون‌شناسی	۱۰۴۸-۹۹۵
نمایه (براساس الفبای لاتینی).....	1-34

الف

ساخت مجسمه‌های بافتنی (آباکان‌ها) را آغاز کرد. او این ساختارها را به ردیف در فضا قرار می‌داد و بینندگان می‌توانستند داخل آن شوند. در دهه ۱۹۷۰، یک سلسله مجسمه در مضمون تجسد ساخت که در آنها چهره‌های انسان و حیوان با مفرغ یا کف شکل گرفته بودند. از میانه دهه ۱۹۸۰، با استفاده از مفرغ، سنگ و چوب، چیدمان‌هایی در فضاهای عمومی ارائه کرد (برای مثال: روان‌پالایی - ۱۹۸۵). همچنین، یک مجموعه سی و شش تایی با عنوان ازدحام برای مرکز هنری واکر [مینیاپولیس] ساخت (۱۹۹۲). این بانوی هنرمند سال‌ها در کالج ملی هنرهای زیبا در پوزنان تدریس می‌کرد (-۱۹۹۰، ۱۹۶۵). چندین مقاله درباره مغز انسان، اسطوره و مذهب



ماگدالنا آباکانوویچ، پشت‌ها، ۱۹۸۲

ایرز AYRES، گیلیان (نقاش انگلیسی، ۱۹۳۰ -). در هنرکده‌های کمبرول و سنت مارتین، لندن آموزش دید. چندساله مدیر گروه نقاشی در هنرکده وینچستر بود (۱۹۷۸-۱۹۸۱). به عضویت آکادمی سلطنتی* برگزیده شد (۱۹۸۲). در همین اوان، به ولز رفت تا تمامی وقت خود را به نقاشی تخصص دهد. سبک اولیه این بانوی هنرمند با تاشیسم* و اکسپرسیونیسم انتزاعی* قرابت داشت. پس از ۱۹۷۸، رنگماده روغنی را به جای اکریلیک به کار گرفت و در ترکیب‌بندی‌هایش، لکه‌های رنگ را به نقوش شبه نباتی یادآور آرنوو* تبدیل کرد. از جمله آثارش: قطع رابطه (۱۹۶۱)؛ پیچک‌های دلندم (۱۹۸۴).

آئروپیتورا AEROPITTURA [ایتالیایی: نقاشی هوایی]. آخرین تحول جنبش فوتوریسم* که در آن هنرمندان می‌کوشیدند احساس‌های برانگیخته شده از پدیده‌های فنی زندگی مدرن - بویژه پرواز با هواپیما - را مجسم کنند. مارینتسی* بیانیه‌ای با همین عنوان منتشر کرد (۱۹۲۹) و آثار این هنرمندان را به نمایش گذاشت: ایتالیا (۱۹۳۱ و ۱۹۳۴)، پاریس (۱۹۳۲) و برلین (۱۹۴۴). کارنمای برلین مورد حمایت گوبلس [وزیر تبلیغات هیتلر] قرار گرفت. جراردو دوتوره (نقاش) و برونو موناری (مجسمه‌ساز) از جمله هنرمندان آئروپیتورا بودند.

آباکانوویچ ABAKANOWICZ، ماگدالنا (پیکره‌ساز لهستانی، ۱۹۳۰-۲۰۱۷). او با بهره‌گیری از بافته‌های سنتی لهستان مجسمه‌هایی پدید آورد که بعداً در اروپا وسیعاً مورد تقلید قرار گرفت.

آباکانوویچ در آکادمی هنرهای زیبا در ورشو آموزش دید (۱۹۵۰-۱۹۵۴). پس از مدتی کار به روش‌های متداول نقاشی و مجسمه‌سازی، در اوایل دهه ۱۹۶۰،

از او به جای مانده است. از جمله دیگر آثارش: هفت چرخ ایستاده (۱۹۸۷)؛ فضای ازدها (۱۹۸۸)؛ شناخته نشده (۲۰۰۲).

آبِت ABBOTT، پرنیس (عکاس امریکایی، ۱۸۹۸-۱۹۹۲). از نمایندگان برجسته عکاسی تکچهره و مستندنگاری شهری بود.

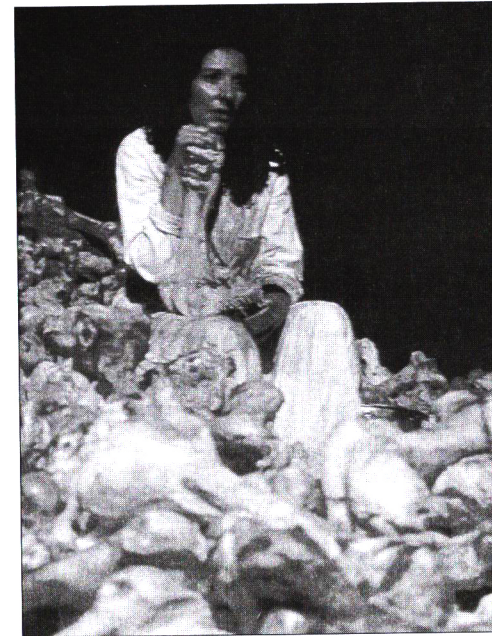
در نیویورک، مجسمه‌سازی آموخت (۱۹۱۸-۱۹۲۱). سپس در پاریس زیر نظر بوردل* و برانکوش* هنرآموزی کرد (۱۹۲۱-۱۹۲۹). دو سالی هم دستیار من‌ری* بود و بسیاری از فنون عکاسی را از وی فراگرفت.

پس از تأسیس عکاسخانه‌ای در پاریس (۱۹۲۶) چهره بسیاری از نویسندگان و هنرمندان - از جمله کوکتو*، هانا آرت و جیمز جویس - را عکاسی کرد. همان زمان با آتزه* آشنا شد و بعدها به حفظ و انتشار میراث این عکاس برجسته همت گماشت. او سال‌ها (۱۹۳۴-۱۹۵۸) به تدریس در مدرسه جدید تحقیقات اجتماعی نیویورک اشتغال داشت.

این بانوی هنرمند پس از بازگشت به نیویورک (۱۹۲۹) به مستندنگاری از این کلان‌شهر پرداخت و تفسیری واقع‌گرایانه از آن به دست داد. از جمله آثارش: مجموعه نیویورک در حال دگرگونی (۱۹۳۵).

آبراموویچ ABRAMOVIĆ، مارینا (هنرمند نمایشگر و بدن‌پرداز متولد در صربستان، ۱۹۴۶-). از نخستین نمایندگان پرفورمنس آرت* و بادی آرت* به شمار می‌آید. موقعیت‌های حاد فشار روانی و فرسایش جسمی، مضمون اساسی آثار این بانوی هنرمند است.

وی در آکادمی هنرهای زیبا، بلگراد آموزش دید (۱۹۶۵-۱۹۷۰). اواسط دهه ۱۹۷۰ به آمستردام رفت، چندی در پاریس زندگی کرد و اکنون در نیویورک اقامت دارد. آبراموویچ هر نوع هنری را که به نیازهای اجتماعی پاسخ ندهد مردود می‌داند. نمایش‌هایش را عمداً در شرایط بسیار خطرناک و عذاب‌آور اجرا می‌کند. در نمایشی با عنوان ریتم صفر (۱۹۷۴) وسط اشیای مختلف از جمله یک تپانچه، یک چاقو و یک گل رز ایستاد و از تماشاگران خواست این اشیا را به انتخاب خود در مورد او به کار گیرند. هنگامی که یکی از تماشاگران تپانچه را به سوی



مارینا آبراموویچ، باروک بالکان، ۱۹۹۷

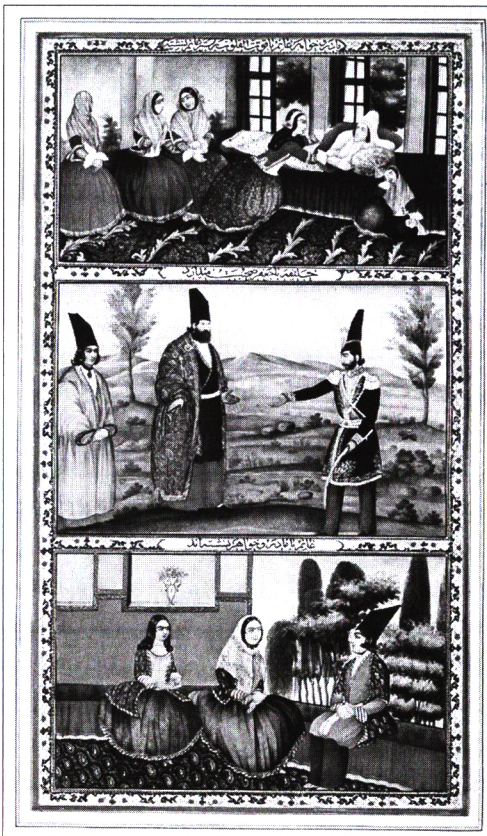
سر او نشانه رفت، نزاع در گرفت و نمایش به پایان رسید. در نمایش باروک بالکان (۱۹۹۷) در جامه‌ای سپید روی توده‌ای از استخوان‌های گاو نشست و در حال خواندن آوازهای محلی شروع کرد به زدودن بقایای گوشت از استخوان‌ها. وی خسته و گریان تصویری از اندوه زمانه ما را به نمایش گذاشت. او در چیدمان‌هایش با مشارکت تماشاگر، مناسک خاصی را القا می‌کند. نمونه‌های دیگری از آثارش: نور/تاریکی (۱۹۷۷)؛ پیاده‌روی روی دیوار چین (۱۹۸۱)؛ رقص مغناطیسی (۲۰۰۲).

آبرنگ WATERCOLOUR. رنگماده ساخته شده از رنگیزه* و یک ماده چسباننده محلول در آب (معمولاً، صمغ عربی) و نیز نقاشی یا طرحی که با این نوع رنگماده بر روی کاغذ سفید یا رنگ‌دار اجرا شده باشد. اسلوب آبرنگ بدین لحاظ با گواش و تمپرا* تفاوت دارد که در آن رنگسایه‌های روشن از طریق رقیق کردن رنگماده حاصل می‌آیند و نه با افزودن سفید. بنابراین، با کاربست لایه‌های نازک و پشت‌نما از رنگماده می‌توان روشنایی و درخشندگی را نشان داد (در طراحی آبرنگی با بیستر و سپیا نیز همین روش به کار می‌رود).

ابوالحسن غفاری [ابوالحسن ثانی] (نقاش، تصویرگر و چاپگر ایرانی، ۱۸۱۳ / ۱۲۲۹ ق - ۱۸۶۶ / ۱۲۸۳ ق). از برجسته‌ترین هنرمندان عهد ناصر، بنیان‌گذار نخستین هنرکده و پیشگام هنرگرافیک در ایران به شمار می‌آید. فرزند میرزا محمد غفاری بود و در کاشان متولد شد. در تهران، زیر نظر مهرعلی، نقاشباشی دربار فتحعلی‌شاه آموزش دید. با ارائه پرده‌ای از چهره محمدشاه به جمع نقاشان دربار پیوست (۱۲۵۸ ق). چندی بعد، برای هنرآموزی - به قصد آشنا شدن با فن چاپ - به ایتالیا فرستاده شد (معملاً ۱۲۶۳ ق). در موزه‌های فلورانس و رُم به رونگاری از آثار استادانی چون رافائل و تیسین پرداخت. در هنگام بازگشت، وسایل متعدد برای آموزش چاپ سنگی و نقاشی با خود به ایران آورد. به سمت نقاشباشی دربار ناصرالدین شاه منصوب شد (۱۲۶۷ ق). به سفارش صدراعظم وقت

کاربرد رنگماده آب‌بنیان از زمان‌های قدیم معمول بود، مثلاً می‌توان به طومارهای پایروس مصر باستان، نقاشی‌های روی ابریشم و کاغذ برنج در خاور دور، و نسخه‌های مصور قرون وسطی در اروپا اشاره کرد. البرشت دورر نیز در سده شانزدهم نظیر این نوع رنگماده را برای منظره‌نگاری به کار می‌برد؛ اما اصطلاح «آبرنگ» با تعریف داده‌شده، بویژه در انگلستان از سده هژدهم متداول شد. نخستین آبرنگ‌کاران انگلیسی خطوط کلی را با مداد یا قلم و مرکب می‌کشیدند و سپس تصویر را با آبرنگ می‌پوشاندند. پُل سندی از ابتدا قلم مو به کار می‌برد، و گاه برای تقویت جلوه‌های مورد نظرش از رنگماده غلیظ استفاده می‌کرد. در سده نوزدهم، منظره‌نگاران برجسته‌ای چون الکندر کازنر، تامس گریتین و ترنر* هریک با اسلوب خاص خود نقاشی آبرنگ را تحول بخشیدند. آبرنگ‌کاران امروزی، غالباً، سنت انگلیسی را ادامه می‌دهند.

آبژه OBJECT [اثر]. نوعی اثر هنری سه‌بعدی متشکل از اشیایی که معمولاً با معنای نمادین یا طنزآمیز سرهم شده باشد. سابقه گنجاندن اشیا در اثر هنری به دهه دوم سده بیستم بازمی‌گردد. پیکاسو* به موازات تجربه کولاز، مجسمه‌هایی با مواد «غیرهنری» خلق کرد (لیوان عرق افسنتین - ۱۹۱۴). مارسل دوشان* نخستین ساخته‌گزیده‌اش را پدید آورد (چرخ دوچرخه - ۱۹۱۳). پیکاسو یا دوشان اشیا را آگاهانه برمی‌گزیدند، اما هنرمندانی چون اشویتس* با اشیای یافته شده آسامبلاژ* می‌آفریدند. هنرمندان، آبژه‌ها را به منظور بیان معنایی خاص و یا با انگیزه زیبایی‌شناختی می‌ساختند. آبژه در دادا* وسیله تحریک مخاطبان بود، حال آنکه در سوررئالیسم* تداعی‌های رؤیاگونه برمی‌انگیخت. در دهه ۱۹۶۰، آبژه‌ها نقش اصلی را در واکنش به هنر انتزاعی و آر آنفورمل* ایفا کردند. در این واکنش، آثار هنرمندان پاپ و نوورئالیست، نقاشی‌های مختلط راوشنبرگ*، «تابلوتله»های اشپوری*، مجسمه‌های لفافی کریستو*، محیط‌سازی‌های انتقادی کین هوئلس* و ماشین‌های خودویرانگر تنگلی* هریک به نوعی مؤثر بودند. در کانسپچوئال آرت* ماهیت نمادین آبژه بیش از مادیت آن مورد تأکید قرار گرفت.



ابوالحسن غفاری، برگی از هزار و یک شب، ۱۲۶۹ ق